

A18-107  
1-V-11

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. A18

Date of filing: 20 AUG 84

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of MR. HAJZAMANI + MR. ALORICH  
- Date 6 APR 84  
\_\_\_\_\_ pages in English 3 pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۳ / ۵ / ۲۹ 20 AUG 1984
No	A 18

English version

Filed on 9 APR 84

نسخه انگلیسی درج

ثبت شده است.

DUPLICATE  
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

پرونده الف / ۱۸  
CASE A18

نظر موافق هولتزمان و آلدریچ اعضاء دیوان داوری

## CONCURRING OPINION OF MR. HOLTZMANN AND MR. ALDRICH

ما هر چند با تصمیم دیوان در پرونده حاضر موافقیم ، لکن ترجیح می دادیم که دیوان رای می داد که صلاحیت رسیدگی به ادعاهای کلیه اشخاصی که در زمانهای زیربسط اتباع ایالات متحده بوده از جمله آنهاست که تبعه ایران نیز بوده اند را علیه ایران دارد. به عقیده ما قابل توجه می بود اگر دیوان نتیجه می گرفت که: از متن بیانیته حل و فصل دعاوی که "اتباع" (nationals) را شهروندان ("citizens") که اصطلاح حقوق داخلی است - تعریف می کند ، روشن است که کلیه اتباع از جمله اتباع واجد تابعیت مضاعف حق دارند در این دیوان اقامه دعوا کنند . استدلال ما بشرح زیر است :

طرفین با تعریف "تبعه" بعنوان "شهروند" در بندیک ماده هفت بدین ترتیب مقرر نموده اند که از نظر موافقتنامه حاضر ، اصطلاح "تبعه" همان معنی اصطلاح "شهروند" را طبق قوانین داخلی کشور مورد بحث خواهد داشت . جای بحث نیست که اصطلاح "شهروند" طبق قوانین ایالات متحده شامل کلیه شهروندان و از جمله آنها شیکه تابعیت دیگری را نیز حفظ می کنند ، می شود . بنا بر این تعریف ماده هفت از تبعه بصورت مترادف با شهروند فقط این استنباط را ایجاد می کند که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای کلیه شهروندان ایالات متحده را از جمله آنها شیکه تابعیت ایران را نیز حفظ کرده اند ، علیه ایران دارد .

ایران استدلال کرده است که قید انفصالی "یا" در بند یک ماده ۷ مانع این تفسیر می شود ولی بعقیده ما این استدلال قانع کننده نیست . ساخت آن شرط ، بویژه عبارت

"as the case may be" "برحسب مورد"، روشن می کند که طبق بند یک ماده هفت تبعه ایران بعنوان شخص حقیقی که شهروند ایران بوده و تبعه ایالات متحده بعنوان شخص حقیقی که شهروند ایالات متحده بوده، تعریف شده است.

این تحلیل از مفهوم "تبعه" در عین حال، تفسیری است که با هدف و منظور بیانیه های الجزیره بسیار سازگار است. همانطور که دیوان متذکر شده، روشن است که مانع اساسی در حل بحران روابط بین ایران و ایالات متحده در آن زمان وجود دعاوی ای بود که اتباع ایالات متحده علیه ایران در دادگاه های آمریکا طرح کرده بودند و اغلب آنها متضمن توقیف قضائی دارائیهای ایران بود. همانطور که در اصل کلی ب ذکر شده آن مانع، با ایجاد یک مرجع رسیدگی جانشین دادگاهها، یعنی این دیوان داوری، که خواهانهای آمریکائی بتوانند بجای دادگاههای واقع در ایالات متحده به آن دسترسی داشته باشند، برطرف شد. اگر قرار بود ادعاهای بعضی از اتباع ایالات متحده (یعنی افراد واجد تابعیت مضاعف) در دادگاههای ایالات متحده باقی بماند، این هدف و منظور تا حدودی نقض می گشت. نمی توان پذیرفت که مفهوم "اتباع" در اصل کلی ب با مفهوم "اتباع" در مواد دو و هشت بیانیه حل و فصل دعاوی تفاوت داشته باشد. اگر اتباع مضاعف نتوانند دعاوی خود را در دیوان طرح کنند باید می توانستند با احکام توقیفی که در دست داشتند در دادگاههای ایالات متحده باقی بمانند و چنین نتیجه ای با استرداد دارائیهای ایران و ختم دعاوی در دادگاههای ایالات متحده که هدف و منظور مفاد این عهدنامه ها بود منافات می داشت.

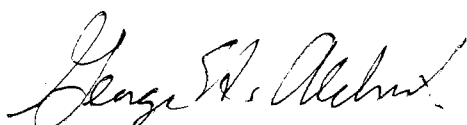
این واقعیت که بعضی دعاوی و خواهانها مشخصاً از صلاحیت دیوان داوری مستثنی شده اند، این نتیجه گیری را تأیید می کند. برای نمونه می توان بعضی ادعاهای مورد اشاره در بند ۱۱ بیانیه عمومی را که ۵۲ تبعه ایالات متحده اصالتاً طرح کرده یا وکالتاً از طرف ایشان طرح شده و بعضی قراردادهائی را که


در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی مورد اشاره قرار گرفته ذکر کرد. اگر تردیدی در مورد صلاحیت دیوان در رسیدگی به ادعاهای افراد واجد تابعیت مضاعف باقی می ماند اعمال اصل expressio unius est exclusio alterius (ذکر یک مورد - استثناء - موجب خروج سایر موارد - استثنائات - می گردد) آن را بر طرف می کرد.

نحوه عمل بعدی طرفین با این تفسیر سازگار است، به این معنی که ایالات متحده دعاوی کلیه اتباع ایالات متحده از جمله افراد واجد تابعیت مضاعف را بحالت تعلیق در آورده و وکلای که نمایندگی ایران را بعهده داشتند حداقل در یک پرونده مربوط به افراد واجد تابعیت مضاعف با استناد به اینکه بیانیه ها از خواهانها می خواهد به دیوان مراجعه کنند، تقاضای خاتمه یا لغو رسیدگی را نمودند. گرچه روشن نیست که تابعیت مضاعف خواهانها در آن زمان آشکار بود یا نه، ولی نام خانوادگی ایرانی می بایست چنین امکانی را البقاء کرده باشد.

ما عمیقا " از لحن و محتوای "بیانیه" ای که سه داور ایرانی به تصمیم الحاق و امضاء نموده اند، متأسفیم. این قبیل افتراها و ناسزاگوئی های بی اساس، جایی در یک دیوان داوری بین المللی نداشته و سزاوار پاسخ نمی باشد. لکن یک اشتباه واقعی در رابطه با قواعد دیوان نیاز به تصحیح دارد: انتخاب داوران کشور ثالث نتیجه "مکانیزم تحمیلی قواعد آنسیترال" نیست. قواعد آنسیترال "تحمیل" نشده بلکه دولتین در بیانیه حل و فصل دعاوی متقابلاً با آن توافق کرده اند. این قواعد غیر عادلانه نیز نیستند، زیرا که مجمع عمومی سازمان ملل آن قواعد را "در کشورهای با نظامهای حقوقی و اجتماعی و اقتصادی متفاوت، پذیرفتنی" تشخیص داده و به اتفاق آراء توصیه نموده است\*.

لاسه، بتاريخ ۶ آوریل ۱۹۸۴ برابر با ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳

  
جرج اچ. آلدریج

  
هوارد ام. هولتزمن